



A Comparative Study of Judge Immunity and Civil Liability in Imamiyah Jurisprudence and Common Law

Yasaman Saeidi¹, Ebrahim Yaghouti²

¹ PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Ya3mansaeidi@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). Yaghouti2010@yahoo.com

Abstract

Judgment in the Iranian law will be civil if the perpetrator commits a mistake or unconventional negligence by refusing to hear the case, but if he makes a mistake, he will be responsible for compensating the government. Recruiting an analytical-descriptive design, the study is aimed at clarifying the commonalities and differences between Imamiyyah jurisprudence and the common law system in this regard. Findings indicate that in addition to Article 171 of the Constitution, the State of the Islamic Republic of Iran recognizes relative immunity under the influence of Imamiyyah jurisprudence in order to protect the independence of the judge. They knew absolutely. In general, by anticipating the principles of ethics to monitor the misconduct of the judiciary along with appealing their decision to the extent that the US government believes in the principle of "exercise of sovereignty" is derived from the federal system, refrain from making decisions in the US. He was acquitted and the judiciary in this country, by insuring itself, found a certain limit for possible problems.

Keywords: Fault, Mistake, Compensation, Judge Immunity, Civil Liability.

Received: 2021/12/21 ; Accepted: 2022/08/27

How To Cite: Saeidi, Yasaman; Yaghouti, Ebrahim (2023). A Comparative Study of Judge Immunity and Civil Liability in Imamiyah Jurisprudence and Common Law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 171-190. doi.org/10.22091/CSIW.2022.7707.2207



مطالعه تطبیقی مصونیت و مسئولیت مدنی قاضی در فقه امامیه و نظام کامن لا

یاسمن سعیدی^۱، ابراهیم یاقوتی^۲

^۱ دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Ya3mansaeidi@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Yaghouti2010@yahoo.com

چکیده

قضات در حقوق ایران اگر مرتکب تقصیر یا بی‌مبالاتی غیر متعارف یا استتکاف از رسیدگی به دعوا شوند مسئولیت مدنی خواهند داشت اما در صورت اشتباه، مسئول جبران خسارت دولت خواهد بود. هدف از پژوهش حاضر روشن شدن نقاط اشتراک و افتراق پیرامون دو مکتب فقه امامیه و نظام کامن لا می‌باشد که به شیوه تحلیلی-توصیفی و با روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و یافته‌ها حاکی از این است؛ قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ذکر مسئولیت مدنی قضات در اصل (۱۷۱) قانون اساسی، برای پاسداری از استقلال قاضی، مصونیت نسبی را متأثر از فقه امامیه می‌پذیرد، در حالی که نظام حقوقی کامن لا با مطالعه موردی دو کشور انگلیس و آمریکا، قضات دادگاه‌های عالی را زینبده مصونیت مطلق می‌دانستند. این دو کشور به تدریج با پیش‌بینی اساس‌نامه‌های اخلاقی راهی برای نظارت بر رفتار نادرست قضات در کنار استیناف از تصمیم آنان یافتند تا حدی که ایالات متحده آمریکا با اعتقاد بر اصل «اعمال حاکمیت» برگرفته از نظام فدرالی، خود را از جبران خسارت در صورت اشتباه یا تقصیر معاف کرد و قضات در این کشور با بیمه کردن خود تا سقف مشخص راهی برای مشکلات احتمالی یافتند.

کلیدواژه‌ها: تقصیر، اشتباه، جبران خسارت، مصونیت قاضی، مسئولیت مدنی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

استاد: سعیدی، یاسمن؛ یاقوتی، ابراهیم (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی مصونیت و مسئولیت مدنی قاضی در فقه امامیه و نظام کامن لا، پژوهش

تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۰(۱)، ۱۷۱-۱۹۰. doi.org/10.22091/CSIW.2022.7707.2207

مقدمه

در نظام جمهوری اسلامی ایران، رعایت اصل مسئولیت‌پذیری شامل تمام مقامات حکومتی می‌شود و هیچ مقامی از این امر مستثنی نیست، البته حساسیت امر قضا به عنوان یکی از مناصب مهم در اجرای عدالت و نظم عمومی جامعه اقتضا می‌کند نه تنها قاضی نسبت به اعمال خود مسئولیت نداشته باشد بلکه مصون از تعقیب نیز باشد که به استقلال او لطمه‌ای وارد نگردد، زیرا در غیر این‌صورت قاضی باید نیمی از عمر خود را در صدور حکم و نیمی دیگر را در دفاع از خود سپری کند. بدیهی است مصونیت مطلق نیز جایز نیست زیرا منجر به اهمال در وظیفه می‌گردد و مطابق اصل (۱۷۱) قانون اساسی، در صورت تقصیر و اشتباه قاضی، اگر ضرر مادی یا معنوی به کسی وارد گردد این ضرر می‌بایست جبران شود. به دلیل اهمیت جایگاه امر قضا پیشتر آثاری از پژوهشگران درخصوص مسئولیت قضات در حقوق کشورهای مختلف در مقایسه با حقوق ایران نگارش یافته اما می‌توان گفت هیچ یک از پژوهش‌های قبلی بصورت تطبیقی در فقه امامیه و نظام حقوقی کامن لا با نگاه موردی بر دو کشور انگلیس و آمریکا نبوده است. در همین راستا ما بدنبال پاسخ به این پرسش خواهیم بود که در نظام حقوقی کامن لا، آیا مسئولیت مدنی قاضی در صورت قصور و تقصیر از تصمیم‌های قضایی همچون حقوق اسلامی ایران پیش‌بینی شده است؟ پیش از پاسخ ابتدا باید مستندات مصونیت نسبی و مسئولیت مدنی قاضی در فقه و حقوق موضوعه ایران روشن گردد سپس به سیر تحولی مصونیت مطلق به مسئولیت قضات در انگلستان و ایالات متحده آمریکا پرداخت تا بتوان به این سوال پاسخ داد. یافته‌های پژوهش حاضر گویای این مطلب است در حد بسیار اندکی این موضوع پذیرفته شده و مسئولیت را منحصر به سوء رفتار از اصول اخلاقی می‌دانند، زیرا برخی از کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا همچنان از اصل مصونیت مطلق بهره می‌برند براین مبنا که اختیار قاضی ناشی از اختیار پادشاه است و روا نیست شخصی که مجری عدالت در جامعه است در مقابل احکام صادره از سوی خود حتی اگر سوء نیت و تقصیر داشته باشد، مسئول دانست. اما دیدگاه مصونیت مطلق قاضی بر مبنای اعتقاد به استقلال او در نظام کامن لا نمی‌تواند توجیه منطقی باشد زیرا در صورت اشتباه و یا تقصیر قاضی، حق اشخاص ضایع و فساد در سیستم قضایی چیره خواهد شد و در هر حال باید حقوق از دست رفته زیان‌دیده جبران شود. البته در دهه‌های اخیر دو کشور انگلیس و آمریکا اقدام به پیش‌بینی اساس‌نامه‌های اخلاقی برای حل مشکلات این چنینی کرده‌اند تا مرجعی برای نظارت و رسیدگی بر اعمال و رفتار نامناسب قضات وجود داشته باشد. اهمیت این موضوع به حدی پیش رفت که نظام فدرالی آمریکا با راه‌اندازی سیستم‌های بیمه راهی برای جبران خسارت‌های ناشی از تخلفات قضات نیز ایجاد کرده تا ضرر مادی و معنوی زیان‌دیده جبران گردد. اما می‌توان گفت، بهترین واکنش نگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران به این مسئله است که اگر حکم به صورت اشتباهی از قاضی صادر شده باشد دولت مسئول بوده و اگر قاضی در صدور حکم مرتکب تقصیر شده، شخص

قاضی ضامن خواهد بود. ضرورت این امر ایجاب می‌کند در سه مبحث بطور اجمالی به بررسی مصونیت و مسئولیت مدنی قاضی در فقه و حقوق ایران و تطبیق آن با نظام کامن لا بپردازیم.

۱. مصونیت قاضی

اهمیت امر قضاوت مقتضی آن است که قاضی در مقام شغلی خود از هرگونه تعقیب مصون باشد لذا قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران در (اصل) (۱۶۴) قانون اساسی برای پاسداری از استقلال قضات چنین اشعار می‌دارد: «قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد». اما برای دست یافتن به این مهم که در صورت اشتباه و یا تقصیر از چه مصونیتی برخوردار خواهد بود، نخست باید منابع فقهی موجود، سپس اصول و قواعد حاکم را بررسی کنیم.

۱-۱. منابع روایی مصونیت قاضی

باتوجه به برخی از احادیث ائمه علیهم السلام و برگرفته از قاعده ملازمه و برهان این می‌توان حکم به مصونیت قضات داد که به بررسی مهمترین آن می‌پردازیم.

عمر بن حنظله می‌گوید: از امام صادق (ع) راجع به اقامه دعوی دو نفر از شیعیان راجع به دین یا میراث در نزد سلطان یا قضات منصوب او سؤال کردم، امام فرمودند: هرگاه شخصی در نزد طاغوت اقامه دعوی کند و حکم نیز به نفع او صادر شود آنچه به موجب این حکم دریافت می‌کند سُحت محسوب می‌شود حتی اگر او ذی حق باشد، چون حقش را بواسطه حکم طاغوت گرفته و خداوند فرموده است: باید به طاغوت کفر بورزید. عمر بن حنظله می‌گوید، پرسیدم پس چه کنند؟ امام (ع) فرمودند: آنکه در میان شما حدیث ما را روایت و عالم به حرام و حلال و عارف به احکام ما هست نظر افکنده و او را جهت قضاوت حکم انتخاب کنید که من نیز او را حاکم بر شما قرار دادم، پس اگر او مطابق نظر ما حکم نمود و حکمش پذیرفته نشد، دراین صورت همانا حکم خدا سبک شمرده شده و این عمل رد بر ما محسوب می‌شود و رد بر ما نیز رد حکم خداست که دراینصورت درحد شرک به خداوند است (کلینی، ۱۴۳۰: ۵۰۸). مطابق روایت مجتهد جامع الشرایط از جانب امام بر اساس اذن عام منصوب به امر قضا می‌باشد. پس درصورت فصل خصومت حکم او در حق طرفین اختلاف لازم الاتباع می‌باشد که نپذیرفتن و رد آن، رد امام (ع) و خداوند بوده که مصداق شرک است و چون قضات غیر مجتهد نیز مأذون از طرف مجتهد جامع الشرایط هستند حکمشان نافذ و لازم الاتباع است (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

نقد: بر اساس روایت فوق نمی‌توان حکم به مصونیت قاضی در صورت اشتباه و تقصیر داد،

چرا که:

- ۱- تبعیت از حکمی لازم است که برگرفته از نظر معصوم (ع) باشد زیرا مطابق واقع بوده و احتمال تقصیر در آن وجود ندارد، در صورتی که در روایت مقصر مسئول می باشد.
- ۲- بنابر روایت باید تصمیم مجتهد جامع الشرایط را بخاطر رسیدن او به درجه اجتهاد بپذیریم، در صورتی که قضات حتی اگر مجتهد باشند می بایست مطابق نصوص قانونی عمل کنند چه برسد به قضات غیر مجتهد.
- ۳- می توان گفت این روایت بیشتر به حکمیت و قاضی تحکیم ظهور دارد تا به قاضی منصوب؛ و اگر بخواهیم بر حکمیت تسری دهیم قیاس مع الفارق است.

۲-۱. اصول فقهی مرتبط با مصونیت قاضی

برای پذیرفتن اندیشه مصونیت قضایی اصول و قواعد فقهی معتبری وجود دارد که به توضیح آن ها می پردازیم.

۱-۲-۱. اصل صحت

این قاعده فقهی به معنای درست انگاشتن عمل دیگری می باشد، گاهی اوقات منشأ تقصیر و اشتباه قاضی وجود دارد یعنی در جریان رسیدگی با مواردی مواجه شود که در آن صحت یا فساد یا عمل حقوقی مورد تردید است. آن چنان که نمی تواند با استناد به مواد قانونی حکم واقعی قضیه را صادر کند در اینجا باید اصل را بر صحت گذاشته و به مقتضای اصل صحت اقدام به صدور حکم نماید (محقق داماد، ۱۴۰۰: ۲۰۸) اما این امکان نیز وجود دارد که منشأ، سیره عقلاء باشد که دلالت به اصل صحت بنابر طبیعت هر امری می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۲۰) یعنی حکم قاضی به حسب طبع اش صحیح و ترتب آثار مطلوب بر حکم می کند. فقها در این خصوص گفته اند: «لیس علی الحاکم تتبع حکم من کان قبله و لا غیره حملاً لفعله علی الوجه الصحیح» (نجفی، ۱۳۶۲: ۷۵/۴۰- موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲۷۵) یعنی قاضی دیگری حق بررسی مجدد تصمیم صادره قاضی نخست را ندارند زیرا حمل بر صحت می گردد و چون مسئول شناختن قاضی لازمه اش تتبع حکم قاضی دیگر است با اصل صحت تعارض پیدا می کند و با توجه به «الأصل عدم وجوب التبع لأصله الصحه» (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲۷۵) می توان گفت بررسی مجدد حکم قاضی لزومی ندارد.

نقد: هیچ شکی بر عام بودن و قابلیت استناد اصل صحت بر تمام ابواب فقهی و تصمیم های قضایی وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۳) اما به دلایلی مصونیت قاضی قابل توجیه نیست:

- ۱- اصل صحت بر تصمیم قضایی که در آن شک وجود دارد جاریست پس در خصوص اتخاذ تصمیم اشتباه و یا تقصیر امکان جاری کردن اصل صحت وجود ندارد.
- ۲- فقهایی که نظر بر عدم رسیدگی مجدد تصمیم قاضی دارند، بدین صورت که قاضی رسیدگی کننده بعدی بدون وجود مدارک های مدلل و قبل از بررسی صحت و سقم آن نمی تواند آراء

جدیدی صادر نماید همانطور که امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند: «ثم اکثر تعاهد قضائه» یعنی پس از رسیدن جریان امر بسیار واریسی کن (نهج البلاغه: نامه ۵۳). پس اگر اشتباه و یا تقصیر قاضی بوسیله محکوم علیه ثابت شد جاری کردن اصل صحت امکان ندارد.

۲-۱. قاعده احسان

برخی از فقها براین عقیده هستند که قاضی در مقام صدور تصمیم قضایی محسن است (منتظری، ۱۳۷۵: ۳۱۸). پس اگر قاضی دچار اشتباه شود و در نتیجه آن خسارتی به دیگری وارد گردد ضامن نیست و چون محسن تلقی می‌گردد ضامن بر عهده بیت‌المال است (نجفی، ۱۳۶۲: ۷۹). این مصونیت از مدارک قاعده یعنی آیات قرآن کریم همچون «ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (توبه: ۹۱) و «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰) و یا روایاتی از امام علی (ع) چون «الجزاء على الإحسان بالإسائه كفران» (الآمدی، ۱۴۱۰: ۳۲۴) و یا «و لا يكون المحسن والمسنى عندك بمنزلة سواء فان ذلك تزهيداً لأهل الإحسان وتدريباً لأهل الاساءة على الاساءة» (نهج البلاغه: نامه ۵۳) و هم چنین دلیل عقلی برگرفته شده است.

اما آیا این قاعده مصونیت مطلق را در بر می‌گیرد یا شامل اشتباه و تقصیر وی نمی‌شود؟ می‌توان اینگونه پاسخ گفت:

۱- باتوجه به نکره در سیاق نفی بودن «سبیل» که افاده عموم می‌کند یعنی؛ محسن از هر نوع ضمان و مؤاخذه‌ای بر حذر می‌باشد و باتوجه به عبارت «الطبیعه لا تتعدى إلا بانعدام جميع افرادها» نفی و سلب طبیعت از چیزی زمانی معنا پیدا می‌کند که هیچ فردی از افراد آن در خارج وجود پیدا نکند یعنی هیچ محسنی ضامن نیست (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲۷۶).

۲- اگر احسان به معنای فعل یا ترک فعلی باشد که نسبت به خود و یا دیگران به منظور مصالح عامه، عمل نیک قلمداد شود مطابق این جواز شرعی محسن تلقی شده و از مسئولیت میراست.

نقد: در مورد شمول قاعده احسان نسبت به تصمیم قاضی می‌توان چنین اظهار داشت: اگرچه قاضی قصد خدمت و احسان داشته باشد ولیکن موجب مصونیت مطلق او نمی‌شود یعنی در صورت تقصیر که تعدی و تفریط او مشهود باشد نمی‌توان او را محسن تلقی کرد و ضمان از او مرتفع نمی‌گردد. اما اگر به اشتباه حکمی صادر کرده باشد که تسامحی در آن نیست، هرچند منجر به ورود ضرر گردد محسن شناخته شده و ضامن نخواهد بود.

در نتیجه می‌توان گفت مصونیت مطلق قضات به دلیل ناکافی بودن مستندات و نقدهای وارده بر آن از محل بحث خارج می‌شود زیرا در صورت تقصیر دارای مسئولیت است و فقط در صورت اشتباه، قاضی مشمول مصونیت نسبی از جبران خواهد شد که در ادامه مسئول جبران خسارت را در هر دو حالت شرح می‌دهیم.

۲. مسئولیت مدنی قاضی

برای شناخت بهتر مسئولیت مدنی قاضی می‌بایست منابع فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی قاضی و مراجع رسیدگی به دعاوی علیه قضات را مورد مذاقه قرار دهیم.

۲-۱. منابع فقهی مسئولیت مدنی قاضی

منابع فراوانی وجود دارد که می‌توان مسئولیت مدنی را بطور عام و مسئولیت مدنی قاضی را بصورت خاص استنباط کرد از جمله‌ی این ادله معتبر فقهی کتاب، سنت و نظر فقها می‌باشد که به توضیح آن می‌پردازیم.

۲-۱-۱. کتاب

محور قرار دادن قرآن کریم به عنوان مهمترین منبع حقوق اسلام و مطابقت آیات در تبیین مسئولیت مدنی قاضی کمک شایانی به ما خواهد کرد که به آن می‌پردازیم.

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ» (ص: ۲۶)

ترجمه: ای داود! همانا ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هواها و هوس‌ها پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. البته کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند برایشان عذاب سختی است به خاطر آن که روز قیامت را فراموش کردند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۴).

استدلال: این آیه نشانگر اصل بیطرفی و اجتناب از هرگونه غرض ورزی در امر قضاوت می‌باشد، خداوند به حضرت داود دستور می‌دهد که التزام به رعایت بیطرفی داشته باشد و این یک نوع اجتنابی است که از ملکه عدالت سرچشمه می‌گیرد. درواقع می‌توان اینگونه استنباط کرد علت واگذاری خلافت به حضرت داود این بوده که بین مردم به حق داوری کند.

علاوه برآیه فوق، با واری در آیات مختلف قرآن کریم می‌توان مبنای اصل مسئولیت شخصی قاضی را از قرار ذیل دانست:

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيَّةٌ» (المدر: ۳۸)

ترجمه: هرکس در گرو اعمالی است که انجام داده است.

«وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» (انعام: ۱۶۴ و الاسرا: ۱۵)

ترجمه: هرکس فقط بارگناه و مسئولیت خود را به دوش می‌کشد و کسی مسئولیت بار گناه دیگری را برعهده نخواهد داشت.

«وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ» (النساء: ۱۱۱)

ترجمه: هرکس گناهی را مرتکب گردد فقط به ضرر خود اقدام می‌کند.

۲-۱-۲. سنت

روایاتی از ائمه معصومین (ع) در خصوص ضمان و مسئولیت قاضی نقل شده که در این بخش به دو

روایت معروف در این باب می‌پردازیم.

۱. روایت معتبر ابی مریم از امام باقر(ع) که در آن امام فرموده بود: «حضرت علی(ع) چنین حکم کردند که مسئولیت قتل یا جراحاتی که ناشی از خطای قاضی باشد، بر عهده بیت‌المال است.» (کلینی، ۱۴۳۰: ۳۵۴) این روایت صراحت در مسئولیت قاضی ندارد بلکه دولت را مسئول می‌شناسد. درخصوص اشتباه قاضی باتوجه به این روایت می‌توان قاعده (من له الغنم فعلیه الغرم) را جاری کرد و از آن نتیجه گرفت که مسئولیت برعهده دولت می‌باشد (بروجردی، ۱۳۹۲: ۱۴۹) اما زمانی جبران خسارت برعهده بیت‌المال خواهد بود که اشتباه خطائی باشد یعنی تمام موارد خطا، غیر از حالت تعمّد را شامل می‌شود زیرا درصورت تقصیر قاضی مسئولیت شخصی دارد (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۴۴).

۲. عهدنامه امام علی(ع) به مالک اشتر: در این عهدنامه آمده است اگر به قتل خطا مبتلاء گشتی و شمشیر و تازیانه و دست به ناروا کسی را کیفر داد مبادا غرور و زمامداری مانع از آن شود که حق اولیای مقتول را پردازی و رضایت آن‌ها را جلب کنی (نهج البلاغه: نامه ۵۳).
در نتیجه می‌توان بیان داشت: جبران خسارت و زبانی که از اشتباه قضات نشأت بگیرد درصورتی که سوءنیت در آن وجود نداشته باشد، مسئول جبران خسارت دولت می‌باشد نه شخص قاضی.

۳-۱-۲. نظرات فقها

در کتب فقهی آداب و شرایط قاضی بیشتر بیان می‌شود تا مسئله جبران خسارت وارده از اشتباه وی، اما در برخی از آثار فقها به این مسئله بصورت مختصر پرداخته شده که آن‌ها را بیان خواهیم کرد.

۱. علامه حلی می‌فرماید: «هرکس در نتیجه اجرای حد یا تعزیر بمیرد دیه ندارد، برخی گفته‌اند دیه او بر بیت‌المال است. چنانچه پس از کشتن متهم معلوم گردد که دو نفر شاهد قضیه فاسق بوده‌اند دیه را بیت‌المال می‌پردازد نه حاکم و عاقله او. پس هرگاه مجری حکم به استناد امر قاضی که به خطا و اشتباه صادر شده کسی را بیشتر از مقدار لازم تازیانه بزند و آن شخص بمیرد اگر مجری حکم از خطا و اشتباه بودن رأی و دستور قاضی اطلاع نداشته باشد در این صورت نصف دیه مقتول را از بیت‌المال می‌دهند ولی چنانچه قاضی عمداً به بیش از مقدار لازم دستور زدن داده باشد قاضی ضامن نصف دیه مقتول است» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۱۰).

۲. صاحب عروه نیز می‌فرماید: «اگر اشتباه قاضی در صدور حکمی معلوم گردد در مرحله اول حکم او نقض می‌شود. در این مورد ما دو صورت داریم یا حکم اجرا نشده یا اجرا شده است. اگر حکم اجرا نشده که روشن است و اشکالی وجود ندارد اما اگر حکم اجرا شده باشد و حکم هم مربوط به قتل و قطع عضو باشد و شخص قاضی هم هیچ گونه تقصیری در صدور حکم نداشته باشد در این صورت قطعاً قصاص بر عهده قاضی نیست و دیه مقتول به استناد خبر اصیغ بن نباته از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. حال اگر شخص محکوم له می‌دانسته که دعوی او نادرست است در این صورت قصاص بر عهده اوست

و اگر دعوی مالی باشد و مال در دست محکوم له است از او اخذ می شود ولی اگر مال تلف شده باشد و او هم به فساد دعوی خود آگاه بوده باشد در این صورت او سبب اتلاف مال محکوم علیه بوده و ضامن است. ولی اگر او عالم به فساد نباشد در این صورت برخی معتقدند که از بیت المال پرداخت می شود که طبق خبر اصبح بن نباته این نظریه غلط است چون روایت ناظر به موارد خطا در خون و قطع عضو می باشد» (طبایبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۲۴).

۲-۲. قواعد فقهی مرتبط با مسئولیت مدنی قاضی

برخی قواعد فقهی مرتبط با مسئولیت مدنی چه برای قاضی و چه برای دولت، به این سوال که چرا واردکننده زیان باید خسارت را جبران کند، پاسخ می دهند. این نوشتار در ادامه برخی از قواعد حاکم را بیان می کند.

۱-۲-۲. قاعده لاضرر

قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» از مهمترین قواعد فقهی و از مبانی مسئولیت مدنی شناخته می شود (بجنوردی، ۱۳۷۷: ۴۹۲) به این معنا که نباید شخصی به دیگری ضرری وارد کند که در اثر آن حقی از او زائل شود (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۸۱/۳). درباره مفهوم ضرر برخی آن را ضد نفع (ابن منظور ۱۴۰۹: ۵۸) و برخی دیگر عدم نفع و گروهی نقض در حق (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۳۴) تفسیر نموده اند. اما براساس قاعده لاضرر پرسشی بوجود می آید که آیا می توان حکم به مسئولیت مدنی قضات داد و یا اینکه این قاعده فقط در مقام نفی حکم بوده و جنبه اثباتی ندارد؟ فقهایی که مفاد قاعده را به «نفی ضرر» یا «نهی اضرار به غیر» تفسیر نکرده اند از این قاعده برای اثبات مسئولیت مدنی استفاده می کنند ولیکن طرفداران این نظریه که حکم ضرری چه بطور مستقیم و چه از طریق نفی موضوع، منفی بوده و قاعده لاضرر را حکم اثباتی نمی دانند که برای اثبات ضمان قهری کافی نمی بینند و چون نوعی بدعت است لازم اش این است که هر خسارتی از بیت المال یا از مال اغنیاء تدارک گردد (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵: ۲۹۴) با این وجود تدارک ضرر وارد شده از فروع و لوازم نفی حکم ضرری است زیرا هدف اصلی جعل قاعده فوق جبران خسارت وارده است و رفع حکم ضرری نیز، یکی از وسایل جبران ضرر مورد استفاده واقع می شود. پس قاعده از مبانی مسئولیت مدنی قاضی می باشد و چون دلالت قاعده بر نفی هرگونه ضرر به دیگران می باشد، مستلزم اثبات مسئولیت مدنی برای اشخاصی است که موجب ورود خسارت به زیان دیده می شوند، قضات نیز از این امر مستثنی نیستند و مواردی که تصمیمات قضایی همراه با تقصیر است و منجر به هرگونه ضرر بدنی و حیثیتی برای اشخاص می شود در برابر آن مسئولیت مدنی دارند و ملزم به جبران خسارت وارده هستند (منتظری، ۱۳۷۵: ۱۷۰).

۲-۲-۲. قاعده اتلاف

این قاعده از جمله معروف «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» گرفته شده است یعنی که هرگاه کسی مال

دیگری یا منافع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف نماید، در برابر صاحب آن ضامن خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۹، ۲۳/۲). هرچند عین این عبارت در کتب احادیث وجود ندارد ولیکن از شهرت زیادی برخوردار بوده و در بسیاری از نصوص کلماتی که حاکی از مضمون این جمله باشد، وجود دارد البته برای استفاده از این قاعده فقها به آیاتی از قرآن کریم چون «فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره: ۱۹۴) و «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا» (شوری: ۴۰) استناد کرده‌اند. قانون‌گذار در ماده یک قانون مسئولیت مدنی در صورت وجود رابطه علیت میان فعل و ضرر، تلف‌کننده را مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌داند و تقصیر را به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مورد توجه قرار نمی‌دهد. در نتیجه هرگاه قاضی تعدی کرده باشد متلف شناخته شده و ضامن جبران خواهد بود اما این ضمانت و جبران در صورت اشتباه قاضی از بیت‌المال صورت می‌گیرد.

۳-۲-۲. قاعده علی الید

یکی دیگر از قواعد فقهی در باب ضمان قهری قاعده علی الید می‌باشد که از عبارت «علی الید ما اخذت حتی تودی» برگرفته شده است، به موجب این قاعده هرکس (چه قاضی و چه غیر) بر مال دیگری استیلاء یابد، ضامن نقص و تلف آن خواهد بود و این مسئولیت هم شامل حکم تکلیفی و هم دربرگیرنده حکم وضعی است. براساس این قاعده باید گفت قاضی به دلیل قضاوت خود امکان دارد که تصمیم خطایی اتخاذ کند و مرتکب ضمان یدی شود که او ضامن نقص و تلف مال است اما در این صورت بازهم بیت‌المال باید این خسارت را برای طرف مقابل جبران نماید.

۳-۲-۳. منابع قانونی مسئولیت مدنی قاضی

با بررسی قوانین و مقررات موجود در حقوق موضوعه ایران پی می‌بریم تا قبل سال ۱۳۵۷ از لحاظ قانونی، نص صریحی که بر مسئولیت مدنی قضاات دلالت کند، وجود نداشت. اما پس از انقلاب اسلامی با تصویب قوانینی مقتبس از منابع فقهی پیش‌بینی‌هایی در جهت مسئولیت مدنی قضاات صورت گرفت که مصونیت مطلق قضاات تا حدود قابل توجهی محدود کرد. در ادامه این گفتار منابع قانونی که بطور مستقیم بر مسئولیت قاضی اشاره داشته‌اند و یا از روح کلی آن‌ها می‌توان چنین مسئولیتی را برداشت نمود، مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱-۳-۲. قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جان، مال، آبرو، آزادی، شخصیت و حیثیت افراد دارای احترام خاصی بوده و مسئولیت مدنی دولت و افرادی که تقصیر آنها منجر به ورود ضرر و خسارت به دیگری گردد مورد توجه جدی قانون‌گذار قرار گرفته است. براین اساس دراصل (۱۷۱) مقرر شده است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی

متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد». مطابق این اصل، قانونگذار در صورت تقصیر، قاضی را در برابر زیان دیده مسئول شناخته ولی در اثر اشتباه و خطا، مسئولیت مدنی دولت را مفروض دانسته زیرا احتمال خطا و اشتباه در امر خطیر قضاوت، تا حد زیادی قابل پیش بینی است و چنانچه قضات در برابر خطاهای شغلی خویش مسئول شناخته شوند بر استقلال قضایی و قاطعیت آنها در تصمیم گیری مناسب و به موقع، خدشه وارد می شود که این تزلزل در اراده قاضی، به سود هیچکس نخواهد بود. هم چنین از علاقه و اشتیاق داوطلبان متقاضی امر قضا شدیداً کاسته خواهد شد. هر چند که این اصل در مقام تبیین مسئولیت مدنی قاضی در حد انتظار صریح نبوده اما با این وجود بر اصل مصونیت قضایی مطلق، خدشه وارد نموده و برای اولین بار در تاریخ قانونگذاری ایران، برای قضات در مواردی که مقصر باشند، مسئولیت مدنی پیش بینی کرده و امکان مطالبه ضرر و زیان وارده و اقامه دعوا به طرفیت قاضی مقصر را فراهم ساخته است. باین وجود، نیاز بود در پرتوی این اصل، قوانین جزئی تری در خصوص جبران خسارت در اثر تقصیر و یا اشتباه قاضی تدوین گردد (سلطانی نژاد، ۱۳۷۶: ۱۵۰) که در ادامه بیان می نمایم.

۲-۳-۲. قانون مجازات اسلامی

از دیگر پیش بینی هایی که در جهت مسئولیت مدنی قضات صورت گرفت، ماده (۵۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بود اما چون تکراری از اصل (۱۷۱) قانون اساسی بود با تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ این ماده نسخ شد زیرا در این ماده نه تنها نکته جدیدی به چشم نمی خورد بلکه نگارش آن نیز قابل ایراد بود. از طرفی لازم بود قوانین و مقرراتی خاص در این حوزه وضع گردد تا بتوان به نحو کامل به جبران خسارات حاصله پردازد، هر چند خلاءهایی هم چنان حس می شود اما در مواد (۵۹۷، ۶۰۴ و ۶۰۵) قانون تعزیرات برای تخلفات کارمندان دولت پیش بینی هایی صورت گرفته که قضات را نیز شامل می شود، ولی بیشتر به تقصیر قاضی و الزام آنان به جبران خسارت و حتی حبس او دلالت دارد.

۲-۳-۳. قانون مسئولیت مدنی

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مواد خاصی در مورد مسئولیت مدنی قضات وجود نداشت جز ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که اشعار می داشت: «کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آن ها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند. ولی هرگاه خسارت مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به تفحص وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا

موسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود». البته می‌توان اظهار داشت: لفظ «کارمند» دلالتش بر افراد به گونه‌ای بدلی است که امکان مسئولیت شخصی قاضی به عنوان یکی از کارمندان دولت را فراهم می‌کند.

۴-۲. مراجع صالح در دعاوی علیه قضات در نظام حقوقی ایران

زمانی که متضرر بخواهد علیه قاضی طرح دعوا کند ابتدا همانطور که در قانون نظارت بر رفتار قضات پیش‌بینی شده باید تصمیم اشتباه و یا تقصیر قضات در مرجع تشخیص یعنی دادگاه عالی انتظامی قضات به اثبات برسد (هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۰۳) سپس شاکی برای مطالبه خسارت خود به دادگاه عمومی مراجعه نماید (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۳۷۲) که این دادگاه پس از احراز ارکان مسئولیت مدنی حکم مقتضی را به طرفیت دولت یا قاضی یا هردو صادر می‌کند و یا مطابق مقررات آیین دادرسی آن را رد می‌کند زیرا اثبات اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی انتظامی قضات، الزامی برای دادگاه عمومی به محکومیت دولت یا قاضی موردنظر به جبران خسارت بوجود نمی‌آورد. ذکر این نکته نیز ضروری است که اصل پذیرش مسئولیت دولت در نتیجه‌ی اشتباه قاضی در تصمیم‌گیری که از نوع مسئولیت‌های غیرمستقیم می‌باشد، موجب تسهیل جبران خسارت زیان‌دیده و حمایت او در برابر تشکیلات پر قدرت دولت است اما می‌توان گفت با هدف نهایی، این مسئولیت در تعارض می‌باشد زیرا تشریفات و اطاله دادرسی منجر به سردرگمی زیان‌دیده میان مراجع مختلف می‌شود که او را از اقامه دعوی منصرف می‌کند (غمامی، ۱۳۷۶: ۱۴۱).

۳. مصونیت قاضی در نظام حقوقی کامن لا و سیر تحولی آن به سمت مسئولیت مدنی

در حقوق کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا چون انگلیس و آمریکا، طرح دعوی مدنی علیه تصمیمات قضات به موجب قوانین یا رویه قضایی ممنوع بود (Husmaninger, 1990: 57) براین مبنا که اختیارات قاضی ناشی از اختیارات پادشاه است و صحیح نیست کسی که به عنوان مجری عدالت در جامعه قرار داده شده را در مقابل احکام صادره از سوی وی ضامن دانست (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۹۱) به تدریج بحث مصونیت مطلق قضات به سمت مسئولیت آنان باتوجه به اصل برابری خصوصاً در کشورهای مسیحی با استناد به آیه‌ای از انجیل متی با این عبارت که «همانگونه که در حق دیگران قضاوت می‌کنید مورد قضاوت قرار خواهید گرفت» (باب هفتم، آیه اول) شدت گرفت که در این بخش به مطالعه مصونیت و مسئولیت مدنی قضات در این دو کشور و مراجع صالح در رسیدگی به تخلفات هریک می‌پردازیم.

۱-۳. مصونیت مطلق قضات در نظام حقوقی انگلیس و سیر تحولی مسئولیت اخلاقی آنان

در نظام حقوقی انگلستان مصونیت قضات یک اصل شناخته شده بود. به نقل از کلی یکی از مستشاران

انگلیسی «این حکم قانونی صرفاً به جهت حمایت از مصلحت عامه مدنظر قرار گرفته تا قضات بتوانند در تصمیم‌گیری‌هایشان مستقل عمل کنند و هیچ گونه ترسی از عواقب تصمیم اتخاذ شده خود نداشته باشند» (Jennings, 1952: 4) پیش از سال ۱۶۱۳ در انگلستان مرسوم بود که اگر قاضی در چارچوب اختیارات خود انجام وظیفه کند نمی‌توان بخاطر عملکردش علیه او اقامه دعوی کرد حتی چهل و ارتکاب خطای شغلی و حسادت یا نفرت یا اعمال غرض و عدم رعایت جوانب عدالت توسط قاضی موجب مسئولیت مدنی وی نمی‌شود. قضات دادگاه‌های عالی با توجه به صلاحیت عام دارای مصونیت مطلق هستند پس چنانچه با حسن نیت عمل کنند حتی اگر خارج از صلاحیتشان باشد مسئولیت مدنی ندارند (Holdsworth, 1932: 98). زیرا این فرض وجود دارد که در حدود صلاحیت خود عمل کرده‌اند و تجاوز از صلاحیت در مورد آنان معنا ندارد و این مصونیت تاجایی پیش می‌رود که حتی اعمال زیان بار خارج از قلمرو قضایی شان را نیز شامل می‌شد (Thompson, 1958: 250). اما قضات دادگاه‌های تالی برای اقدامات خارج از صلاحیت خود و یا امور داخل در صلاحیت با این قید که سوءنیت بدون عذر موجه داشته باشند دارای مسئولیت مدنی هستند، مرجع رسیدگی به شکایات اشخاص علیه تصمیمات قضایی در صلاحیت دادگاه‌های عالی عدالت و دادگاه سلطنتی است که تحت نظارت دادگاه عالی استیناف و مجلس اعیان فعالیت می‌کند و این حق را دارند بنابر تقاضای اصحاب دعوی به شکایت رسیدگی و تجدیدنظر کنند مگر آنکه اثبات شود قاضی دادگاه تالی در رسیدگی مرتکب اشتباه یا تقصیر نشده است (Feldthusen, 1980: 92). به تدریج با پیش‌بینی سه اصل اساسی برای هدایت اخلاقی قضات بر مبنای استقلال قضایی، بی‌طرفی و تمامیت که شامل صداقت فکری، احترام به قانون، اهتمام و مراقب در انجام وظیفه می‌شد (Guide to Judicial Conduct, 2020: 6-7) مصونیت قضات دادگاه‌های عالی نیز در انگلیس مورد ایراد قرار گرفت و در کنار حق استیناف از تصمیم قضایی امکان شکایت از رفتار و سوءنیت در تقصیر شخص قاضی نیز برای اصحاب دعوا بوجود آمد و پس از اصلاح قانون اساسی رئیس دیوان عالی و رئیس دادگستری به صورت مشترک مسئولیت نظارت بر رفتار قضات را برعهده گرفتند و در ۳ آوریل ۲۰۰۶ مرکزی تحقیقاتی با نام (OJC) یا همان «دفتر رسیدگی به شکایات قضایی» تأسیس شد تا این دو مقام را در اجرای این مسئولیت مشترک مشاوره و کمک دهد. فعالیت این دفتر به این صورت می‌باشد که شکایت را به قاضی مافوق در دادگاه محل خدمت قاضی متخلف می‌فرستند. پس از بررسی صحت شکایت و احراز تخلف توسط قاضی ارشد، مراتب پیشنهاد خود را قاضی مافوق به مقام صالح در تعیین و تکلیف نهایی یعنی لردچانسر و رئیس دادگستری ارسال می‌کند و در صورت اتفاق نظر مجازات‌هایی چون ارشاد و اخطار رسمی، توبیخ، جریمه و یا در صورت شدت تخلف قاضی خاطی را از سمت خود معلق می‌کنند. امکان درخواست تجدیدنظر برای قاضی متخلف نیز وجود دارد که درخواست خود را از تصمیم دفتر رسیدگی به شکایت نزد آمبودزمان مطرح کند هر چند او در مقام تجدیدنظرخواهی

نیست اما می‌تواند نحوه رسیدگی به شکایت را بررسی کند (<https://www.judiciary.uk/about-the-judiciary-the-government-and-the-constitution/jud-acc-ind/jud-conduct/>) درواقع آمبودزمان به عنوان مکانیزم نظارتی مدرن در جهت اجرای بهتر قانون به عنوان دفتری غیرجانبدار با پشتوانه پارلمانی خود به رسیدگی غیرقضایی می‌پردازد و پس از بررسی مدارک بنابر صلاحدید استصوابی، نظر خود را بصورت همگانی اعلام می‌دارد (سعیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۱).

۲-۳. مصونیت قاضی و سیر تحول آن به مسئولیت در ایالات متحده آمریکا

حقوق آمریکا مصونیت قضات را در بند (۱) از اصل (۳) قانون اساسی چنین اشعار می‌دارد: «قضات دادگاه عالی، همانند قضات دادگاه‌های تالی، مادام که رفتار شایسته خود را داشته باشند، مشاغل خود را حفظ نموده و در مواعد مقرر پاداش خدمات خود را دریافت خواهند نمود به نحوی که در طول خدمت از آن کاسته نخواهد شد» (Black, 1983: 842). براساس دکترین مصونیت قضایی، قضات در قبال اعمالی که به اعتبار صلاحیت خود انجام می‌دهند مصون از تعرض شناخته شده‌اند هرچند تصمیم یا اعمال آنان ناشی از اشتباه یا غرض و یا همراه با انگیزه‌های دیگر باشد و باتوجه به اصل استقلال قضات، مدت قضات فدرال مادام‌العمر اعلام شده و قضات دادگاه‌های عالی که دارای صلاحیت عام هستند از مصونیت مطلق بهره می‌برند (Hood Philips, 1965: 372). اما قضات دادگاه‌های مادون چون صلاحیت محدودی دارند فقط در قبال تصمیم‌های اتخاذ شده در صلاحیت خود دارای مصونیت هستند و در مورد اعمال خارج از صلاحیت خود یا مواردی که در حیطه رسیدگی دادگاه‌های عالی هستند، مسئول می‌باشند (Fieldthusen, 1980: 229). با تصویب آیین‌نامه رفتار قضات ایالات متحده آمریکا توسط کنفرانس قضایی در ۵ آوریل ۱۹۷۳ تغییرات اساسی در برخورد با تخلفات و مسئولیت قضات فدرال بوجود آمد (Guide to Judiciary Policy, 2019: 1). درواقع می‌توان گفت علاوه بر رسیدگی فدرال به تخلفات قضات یک ایالت، مطابق قانون رفتار و ناتوانی قضایی، امکان شکایت از رفتار آنان نیز وجود دارد (Prosser, 1941: 161). روند رسیدگی به بدین صورت است که قاضی انتظامی در صورت کشف تخلف شکایت را به قاضی ارشد دادگاه محل خدمت قاضی خاطی می‌فرستد تا پاسخ دهد و پس از دریافت مطالعه پاسخ، قاضی انتظامی تصمیم خود را اعلام می‌کند که این رأی در شورای قضایی که از کمیسیون پنج نفره از قضات که دست کم دو تن از آنها باید از دادگاه بدوی فدرال باشد قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. شورای قضایی نیز می‌تواند قاضی را به مجازات‌هایی چون جریمه سنگین، توبیخ بصورت خصوصی یا عمومی، معلق نمودن از خدمت برای مدت مشخص و یا درخواست بازنشستگی داوطلبانه محکوم نماید یا شکایت را به کنفرانس قضایی ارائه دهد تا تصمیم نهایی را آنان اتخاذ نمایند (<https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/354>). همه قضات سیستم قضایی فدرال باید از این آیین‌نامه تبعیت کنند جز قضات پاره وقت و قضات پروتیمپور که بصورت موقت به عنوان قاضی یا استاد

خاص منصوب می‌شوند (Guide to Judiciary Policy, 2019: 19). اما نکته جالب توجه آن است که دولت آمریکا هیچ گونه مسئولیتی را در برابر خسارات وارده به اشخاص در اثر خطا یا تقصیر قضات به استناد اصل «اعمال حاکمیت» به عهده نمی‌گیرد و خود را از تبعات اینگونه تصمیمات رهایی بخشیده است (Schuck, 1989: 671). لذا قضات در آمریکا چون در مقابل تصمیمات قضایی و اخلاقی خود مسئولیت دارند به این فکر افتادند تا مشکلات این چنینی را با بیمه کردن خود حل نمایند و این راه حلی بود که ضمن پایان دادن به نگرانی‌های قضات و تقویت استقلال آنها، شهروندان زبان‌دیده را از جبران خسارت مطمئن می‌ساخت. هم اکنون قضات در قبال پرداخت حق بیمه مشخصی که در بیشتر ایالات دولت فدرال صورت می‌گیرد، در قبال مسئولیت مدنی ناشی از تصمیمات شغلی تا سقف دو میلیون دلار بیمه می‌باشند (داورنیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

نتیجه‌گیری

در نظام جمهوری اسلامی ایران قانون‌گذار علاوه بر پیش‌بینی مصونیت نسبی در اصل (۱۶۴) قانون اساسی برای پاسداری از استقلال قضات برگرفته از احادیث ائمه علیهم السلام، اصل صحت و قاعده احسان؛ باتوجه به نقدهایی که به آن وارد بود، ضرورت جبران خسارت بر کسی که حقیقتاً ضایع گشته را تأکید می‌کند. اما مطابق اصل (۱۷۱) قانون اساسی و منابع معتبر فقه امامیه همچون آیات، روایات، نظر فقها و قواعدی مانند قاعده «لاضرر»، «اتلاف» و «علی الید» در صورت تقصیر قضات در اصدار حکم، مسئول جبران خسارت شخص قاضی بوده و اگر اشتباه وی خطائی باشد دولت مسئول جبران خسارت می‌باشد. با مذاقه تطبیقی نظام حقوقی کامن لا روشن گردید؛ در انگلستان برخورداری از مصونیت مطلق را فقط زینده قضات دادگاه‌های عالی می‌دانستند حتی اگر در اعمال زیان بار خارج از حوزه صلاحیت شغلی خود سوءنیت داشته باشند، درحالی که قضات دادگاه‌های مادون در مقابل تصمیمات خارج از صلاحیت قضایی خود و یا همراه با سوءنیت بدون عذر موجه، مسئولیت مدنی دارند. در سیستم حقوقی آمریکا نیز این مصونیت برای قضات دادگاه‌های عالی و تالی که دارای سمت رسمی قضایی هستند وجود داشت و تا زمانی که از حدود صلاحیت خویش تعدی نکرده باشند از نظر مدنی تحت هیچ شرایطی مسئول اعمالی که در اجرای وظایف قضایی انجام می‌دهند نخواهند بود زیرا اگر قاضی در اجرای وظایف خود در مقام صدور حکم اشتباه یا تقصیر کند، صرف تصمیم نادرست موجب اقامه دعوا بر ضد او نمی‌شود و قاضی نباید به خاطر حکمی که صادر کرده جریمه گردد یا ملزم به پرداخت انواع دیگر خسارت شود. اما امروزه در کشورهای مورد مطالعه علاوه بر حق استیناف از تصمیم قضای، امکان شکایت از رفتار قضات نیز برای اصحاب دعوا بوجود آمده تا حدی که در ایالات متحده آمریکا برگرفته از نظام فدرالی خود پیش‌بینی‌هایی در قانون برای جبران خسارت متضررین انجام داده ولی چون دولت با اعتقاد بر اصل «اعمال حاکمیت» خود را از مسئولیت تصمیمات خطایی یا اخلاقی قاضی معاف کرده در

بیشتر ایالت‌ها قضات با بیمه کردن خود تا سقف مشخص راه حلی برای مشکلات احتمالی یافتند. با مطالعه تطبیقی بر نقاط ضعف و قوت نظام‌های حقوقی فوق می‌توانیم پیشنهاد دهیم، برای کاستن از تراکم کار و تشریفات رسیدگی به پرونده‌های ناشی از تصمیمات نادرست قضایی که منجر به اطاله دادرسی و سردرگمی زیان دیدگان شده است در ایران نیز بیمه مسئولیت مدنی قضات ایجاد شود تا امکانی برای تسفی خاطر متضررین و قضات از جبران خسارت‌های مادی و احتمالی فراهم گردد.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، قم، اسماعیلیان، ج ۴، ج ۳.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۹ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر لطباعه، ج ۳.
- الآمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الإسلامی، ج ۲.
- بجنوردی، سید حسن، ۱۳۷۷ق، القواعد الفقہیہ، قم، نشر الهادی، ج ۱.
- بروجردی، سید حسین، ۱۳۹۲ش، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع احادیث الشیعه، تهران، نشر فرهنگ سبز، ج ۱.
- داورنیا، رحیم، ۱۳۸۵ش، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۴.
- سعیدی، یاسمن، جمال‌زاده، عبدالرضا، باقری، احمد، ۱۴۰۰ش، «نظارت غیرقضایی بر سازمان‌های اداری توسط نهاد مشابه آموذمان در ایران»، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۶۹.
- سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله، ۱۳۷۶ش، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران و فقه امامیه و سیستم‌های حقوقی»، فصلنامه مفید، ش ۱۱.
- صالحی مازندرانی، محمد، ۱۳۸۵ش، «نگرش بر مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۲.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۴ق، تکمله العروه الوثقی، مصحح: سید محمد حسین طباطبائی، قم، مکتبه الداوری، ج ۱، ج ۱.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۳.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ق، قواعد الاحکام، قم، موسسه النشر الإسلامی، ج ۱، ج ۲.
- غمامی، مجید، ۱۳۷۶ش، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران: نشر دادگستر، ج ۱.
- قرانتی، محسن، ۱۳۸۸ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۶، ج ۸.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۶۲ش، حقوق مدنی: ضمان قهری - مسئولیت مدنی، تهران، دهخدا، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۳۰ق، الکافی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ج ۱.
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۴۰۰ش، قواعد فقه بخش جزایی، تهران، نشر دانشگاه علوم رضوی، ج ۴۲، ج ۱.
- محمدی، ابوالحسن، ۱۳۹۹ش، قواعد فقه، تهران، میزان، ج ۱۶، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰ش، القواعد الفقہیہ، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ج ۳، ج ۱.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، ۱۳۸۱ش، فقه القضاء، قم، جامعه المفید موسسه النشر، ج ۲، ج ۱.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵ق، الرسائل (قاعده لاضرر)، قم، اسماعیلیان، ج ۱، ج ۱.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، ۱۴۰۱ق، قواعد فقہیہ، تهران، نشر عروج، ج ۳.
- موسوی خوانساری، سید احمد، ۱۳۵۵ش، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران، مکتبه الصدوق، ج ۲، ج ۲.

منتظری، حسینعلی، ۱۳۷۵ش، استفتائات مسائل ضمان، قم، مکتب آیه‌الله العظمی المنتظری، ج ۱.
نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۳۶۲ش، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، نشر دارالاحیاء التراث العربی، ج ۷، ج ۴۰.

هاشمی، محمد، ۱۳۸۳ش، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر میزان، ج ۹، ج ۲.

Black, Henry Campbell, (1983), Black's Law Dictionary: Definitions of the Terms and Phrases of American and English Jurisprudence, Ancient and Modern, West Publishing Co. 5th ed.

Feldthusen, Bruce, (1980), Judicial Immunity: In Search of an Sppropriate Limiting Formula, 29 U.N.B. Law Journal, No. 73.

Guide to Judicial Conduct, (2020), Courts and Tribunals Judiciary,

<https://www.judiciary.uk/publications/guide-to-judicial-conduct/>

Guide to Judicial Policy- United State Courts, (2019), Vol. 2, www.uscourts.gov

Holdsworth, Wiliam Searle, (1932), The Constitutional Position of the Judges, 48 LQR 25.

Hood Philips, Owen, (1965), Constitutional and Administrative Law, 5th ed.

Husmaniger, Christian, (1990), Civil Liability of Arbitrators Comparative Analysis and Proposal for Reforms, Journal of International Arbitration, Vol 7.

Jennigs, Ivor, (1952), The law and the constitution, University of London Press, 4th ed.

Prosser, William, (1941), Handbook of the Law of Torts, West Publishing Co. 3rd ed.

Schuck, Peter, (1989), Civil Liability of Judges in the USA, The American Journal of Comparative Law, Vol. 34.

Thompson, Darren, (1958), Judicial Immunity and the Protection of Justices, The Modern Law Review, Vol. 21.

Judicial Conduct, 28 July 2010, <https://www.judiciary.uk/about-the-judiciary/the-judiciary-the-government-and-the-constitution/jud-acc-ind/jud-conduct/>

Code of conduct for the US Judges effective, 12 March 2019, <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/354>.

Persian Sources

Holy Quran.

Nahj al-Balāgea.

Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad, (1367), Al-Nahaye Fi Gharib Hadith and Athar; Volume 3, Edition 4, Qom: Ismailian.

Ibn Manzoor, Abulfazl Jamal al-Din Muhammad bin Makram, (1409) AH, Arab Language; Volume 3, Beirut: Dar al-Fikr al-Taba'a.

Al-Amadi, Abd al-Wahed bin Muhammad; (1410) AH, Gharar al-Hakm and Darr al-Kalam; 2nd edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

Bojanvardi, Seyyed Hassan, (1377) A.H., Al-Qasas al-Fiqhiyyah, 1st edition, Qom: Al-Hadi Publishing.

Boroujerdi, Seyyed Hossein, (2013), Sources of Shia Jurisprudence; A Comprehensive Translation of Shia Hadiths; Edition 1, Tehran: Farhang-e Sabz Publishing.

- Davarnia, Rahim, (2016), "Judges Civil Responsibility in the Laws of Italy, France, the United States and Iran", Journal of Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, No. 74.
- Saeidi, Yasaman, Jamal Zadeh, Abdul Reza, Bagheri, Ahmad, (1400) AH, "Non-judicial Supervision of Administrative Organizations by an Institution Similar to the Ombudsman in Iran", Islamic Law Quarterly, No. 69.
- Soltani Nejad, Hedayatullah, (2016), "A Comparative Study of Judge's Civil Liability in Iranian Law and Imamiyyah Jurisprudence Legal system", Mofid Quarterly, No. 11.
- Salehi Mazandarani, Mohammad, (2015), "Attitude towards the Civil Responsibility of Judicial Decision-makers", Journal of Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, No. 72.
- Tabatabai Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem, (1414) AH, Takmulah al-Arwa al-Waghti, edited by Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai, Edition 1, Volume 1, Qom: Ledavari School.
- Tousi, Muhammad bin Hassan; (1400) A.H., al-Nahiya fi majart al-fiqh and al-fatawi, 3rd edition, Beirut: Darul Kitab al-Arabi.
- Allameh Helli, Hassan bin Yusuf, (1413) AH, The Rules of al-Ahkam; Edition 1, Volume 2, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Ghamami, Majid, (2016), The Government's Civil Responsibility for the Actions of its Employees; 1st edition, Tehran: Nashr-e Dadgstar.
- Qarā'ati Mohsen, (2018), Tafsir-e Noor; Edition 6, Volume 8, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
- Katouzian, Nasser, (1362), Civil Rights: Forced Guarantee- Civil Liability, Edition 1, Tehran: Dehkhoda Pub.
- Kilini, Muhammad bin Yaqub, (1430) AH, Al-Kafi; Edition 1, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mustafa, (1400), Rules of Jurisprudence in the Penal Section, Edition 42, Volume 1, Tehran: Razavi University of Sciences.
- Mohammadi, Abolhassan, (2019), Rules of Jurisprudence, 16th edition, Volume 2, Tehran: Mizan.
- Makarem Shirazi, Nasser, (1370), al-Qisās al-Fiqhiyyah; Edition 3, Volume 1, Qom, Imam Ali Bin Abi Talib School.
- Mousavi Ardabili, Seyyed Abdul Karim, (2013), Jurisprudence, Edition 2, Volume 1, Qom: Al-Mofid Society of Al-Nashr Institute.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah, (1385) AH, Al-Rasāel (Qai'da Lā-dharar); Edition 1, Volume 1, Qom: Ismailian.
- Mousavi Bojnordi, Seyyed Mohammad, (1401) AH, Jurisprudence Rules; 3rd edition, Tehran: Urūj Publishing ouse.
- Mousavi Khansari, Seyed Ahmad, (1355), Jame al-Madarak fi Sharh al-Mukhastar al-Nafi, 2nd edition, volume 2, Tehran: Maktaba al-Sadooq.
- Montazeri, Hossein Ali, (1375) AH, Questionnaires on Guarantee Issues, 1st edition, Qom: School of the Grand Ayatollah Muntazari.
- Najafi, Mohammad Hassan bin Baqir, (1362) AH, Jawaharlal Kalam in the Description of the

Laws of Islam; edition 7, Volume 40, Beirut: Al-Ahya Al-Trath Al-Arabi Publishing House.

Hashemi, Mohammad, (2013), The fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran; edition 9, Volume 2, Tehran: Mizan Publishing House.

